

رؤیا جورج اُر

نویسنده: اور سلاکی۔ لو گوین

مترجم: حسام جناني



کتابخانه ای قندیس

ن داشتند و این میان میان اینها نماینده نفکه هستند و اینها ن داشتند و اینها ن داشتند
و اینها ن داشتند و اینها ن داشتند و اینها ن داشتند و اینها ن داشتند و اینها ن داشتند
و اینها ن داشتند و اینها ن داشتند و اینها ن داشتند و اینها ن داشتند و اینها ن داشتند
و اینها ن داشتند و اینها ن داشتند و اینها ن داشتند و اینها ن داشتند و اینها ن داشتند

۱

«کنسپرسیون و تو هر دو رؤیا هستند و من که می‌گوییم شما رؤیا هستید،
خودم هم رؤیا هستم. این یک تناقض است. شاید فردا شخصی خردمند آن
را توضیح دهد. فردا یعنی که شاید ده هزار نسل بعد از ما باشد.»

۱ «چانگ تسه»^۱

ژله‌ماهی سوار بر جریان، دستخوش امواج و اسیر قدرت اقیانوس در مفاک
دریایی به اطراف کشیده می‌شود. نور از مفاک عبور می‌کند و تاریکی به آن وارد
می‌شود. ژله‌ماهی، در دریایی که در آن جهتی نیست، فقط دورتر و نزدیک‌تر،
بالاتر و پایین‌تر، سوار بر جریان، دستخوش امواج و سرگردان در ناکجاها دریا،
آویزان و از سویی به سوی دیگر در نوسان است. تپش‌ها در درون بدنش آهسته
و سریعند، مانند تپش‌های روزانه در دریایی که تحت اثر جاذبه‌ی ماه است.
ژله‌ماهی، آویزان، در نوسان، در تپش، آسیب‌پذیرترین و سستترین موجود
دریاست که برای دفاع از خود تنها به خشونت و قدرت اقیانوس وابسته است،
که وجود خود را به آن، به سیلانش و به اراده‌اش سپرده است.

اما قاره‌های سرسخت برمی‌خیزند، سطوح شب‌داری از سنگدانه و

۱ Chuang Tse یکی از بزرگان مکتب تائویسم در چین در قرن ششم قبل از میلاد.